

آزادی و رافت در جمهوری اسلامی

"قهر خداوند" یا "آزمایش امت"

بار دیگر زلزله بر محرومترین مردم ستم‌پدیده میهن ما تازیدن گرفت. خانه‌ها پشان را بر سرشان ویران کرده. هشتپشان را در زیر آوار مدفون ساخت. عده‌ای را بی جان و عده‌ای را بر تلی از خاکستر در سوگ عزیزان باقی گذارده.

در حالیکه سرمایه‌های زحمتکشان میهن ما از سویی در جنگ ارتجاعی ایران و عراق نابود میشوند و از سویی دیگر توسط سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و اعوان و انصارشان در آزادی "اجر آخرت" به جیب زده میشود (رجوع کنید به اسناد دزدیهای بنیاد مستضعفین در شماره‌های گذشته‌ی رهایی و غیره) و با به حساب غسب و خدمتی به جیب اربابان و کمپانیهای امپریالیستی ریخته میشود (قرارداد با شرکت تالیپوت و غیره)، محرومین خلقهای ایران، رنج‌دیده و ستمکش در سبفوله‌هایی (دزبختترین حالت) از سخت و گل در معرض عوامل طبیعی از جمله زلزله و سیل شاهد از دست دادن جان و مال و هستی ناچیزشان میباشند.

و مضحک آنکه یاوه‌سرایان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی همچون با زدای فریب و نیرنگ این قجایع را "قهر خداوند" یا "آزمایش امت" مینامند. برآستی اگر ننگین تر از مرتجع، فاشیست و مزدور سرمایه مفسدی وجود داشته باشد با رژیم رژیم‌پدیده‌ی همین رهبران خودگسارده است. مردمی که قرن‌ها تحت استبداد "ستم‌شاهی" و اخیراً "ستم فقیهی" در غیر انسانی ترین شرایط تحت بهره‌کشی نظام‌های طبقاتی به وحشیانه ترین وجهی شکنجه و تحقیر شده‌اند به کدام جرم مستوجب "قهر خداوند" متما و با کدام معیار مورد "آزمایش" قرار میگیرند؟

آیا این "خداوند سرمایه" نیست که از زبان "خداوندان فریب و نیرنگ" این چنین ریاکارانه ساقط شدن هستی محرومان و رنجبران را به گردن خود آنان می‌اندازد تا امکان ادامه‌ی "قهر" سرمایه را "آزمایش"ی دیگر کند؟

چرا، هست. اما جاودان نیست و مهمترین از آن دیرپای نیست، طومار دریده‌ی ایستادگی و فریبکاری و فریبکاران روزی که طوفان "قهر" زحمتکشان سر بگیرد "آزمایش" مرگ را مغلوب خواهد شد. روزی که زنجیربان اردوی کار برای سهو هرگونه ستم طبقاتی جدال قطعی را به تلاش سرخیزند. روزی که طبقه‌ی مرگ خداوندان سرمایه از بازوی رنج و گورده‌ی ستم درخشیدن آغاز بگیرد. روزی که... دیر نیست.

پیش از دو سال و نیم از حکومت "عدالت‌آمیزی" گذرد. در این مدتی که روح خدا در روی زمین مکفرماشی می‌کند، "آزادی" از نوع اسلامی اش هر روز ابعاد هولناک تری بخود می‌گیرد. اگر روزی چنان قدران به صفوف نظامی نیروهای انقلابی حمله می‌کنند، روز بعد با لشکر گشی مزدوران - سرمایه به ترکمن صحرا و کردستان، قتل عام خلقهای تحت ستم تحت نام اسلام توجیه می‌شود و چند روز بعد از آن مبارزات کارگران انقلابی که ظاهراً "هر مویشیان به تمام کاخ نشینان می‌آزد" با خشونت بی‌سابقه‌ای سرکوب می‌شود و امروزمذای رگبار گلوله‌های دژخیمان رژیم در میدانهای عدام لحظه‌ای قطع نمی‌شود.

آری! زحمتکشان ایران آزادند، مثلاً آزادند تا از میان چهار جلادی که حزب حاکم برای ریاست جمهوری کاندید می‌کند یکی را برگزینند. و باز آزادند تا از بین چهار روزنامه‌ی ارگان ارتجاع یکی را بخوانند. و بالاخره آزادند تا بین نوکری ولایت فقیه و سینه‌زدن در پشت سر حکام مرتجع و زندان و شکنجه و قرار گرفتن در برابر جوخه‌ی اعدام یکی را انتخاب کنند. اما سردمداران رژیم بسیار بیشتر از توده‌های مردم از آزادی نسوع اسلامی نصیب برده‌اند: آزادی کشتار انقلابیون و کمونیستها بدون محاکمه، آزادی در اعدام زنان آهمن و نوجوانان ۱۲ - ۱۳ ساله، آزادی ریختن به حاسه‌های مردم و دستگیری و زندانی کردن آنها به بهانه‌های واهی - آزادی قتل - جنایت - خیانت و دزدی. دادستانی انقلاب حتی به این هم قانع نبوده و برای کامل کردن سپاه‌های جنایات حکومت در روزهای نخستین اول مرداد در اطلاعیه‌ای اعلام میکند:

"هرکس در روز انتخابات اعتکافش کند، حتی مشاچوه لفظی، مجرم، مفسد فی الارض و یا غی

شناخته شده و محکوم به اعدام است. اما به خطا رفته‌ایم اگر به پنداریم در این دو سال اندی، وظیفه‌ی رژیم حاکم همه کشتار و سرکوب بوده و رافت از نوع اسلامی را فرا موش کنیم. تقاضای منطقی در اینجا است که این رافت شامل هرکسی نمی‌شده است، و فقط آن کسانی از آن نصیب بهره‌اند که در مقابل حکومت سرمایه سر تعظیم فرود نیاورده‌اند. جهت الاسلام ری شهری رئیس دادگاه انقلاب ارتش در محاسبه‌ی مطبوعاتی خود به این نکته اشاره کرده و میگوید:

"در ظرف مدتی که مسئولیت دادگاه انقلاب اسلامی ارتش برده‌ی ما بود عملاً نشان دادیم عده‌ای ولو اینکه جرائمشان در حد اعدام بود با امتحاناتی که از آنها بعمل آمد احساس شد که اگر از بازداشت بیرون بیایند برای جامعه ((سرمایه‌داری)) مفید خواهند شد آزاد شدند. هرکس را که خادم ارتش باشد، آترو می‌پذیریم."

(کنیهان - ۳۱ شهریور ماه ۱۳۶۰)
آری مهر و عطوفت جمهوری اسلامی فقط شامل حال ما و گنیهان و تهمینارهای شاهنشاهی است که وجودشان برای حفظ نظام سرمایه‌داری و تثبیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی مفید باشد

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ناتوان از حل مشکلات اقتصادی و سیاسی - در آخرین دقائق عمری خود بر هر خس و خاشاکی برای نجات جنگ میانداز ولی هر دم بیشتر در منجلاب تنهایی فرو میرود. اما رژیم باید بداند که اعدام انقلابیون و کمونیستها بی جواب نمی‌ماند و باید بداند که علمبرغم این کشتارها، آنها لحظه‌ای دست از مبارز و افشا رژیم بر نخواهند داشت.